

نگه

## عدالت در اشتغال

### زهره‌قلیچی

موضوع اشتغال در ایران چنان اهمیت دارد که هر جا فرصت دست می‌دهد، درباره اصل موضوع و حواشی آن بحث می‌شود. هر کجا هم که بحث از اشتغال وجود دارد و مثلا نشانه‌ای از بهبودی در معرض دید قرار می‌گیرد، به محض اینکه از آمار و ارقام صحبت به میان می‌آید، فی‌الغور گروهی موضع می‌گیرند که این آمار درست نیست. وقتی هم که با آنها وارد بحث می‌شوید و این سؤال را مطرح می‌کنید که از کجا به این نتیجه رسیده‌اید آمارها غلط است، این استاد در پاسخ‌ها وجود دارد که من هر قدر اطرافم را می‌بینم، هیچ تفاوتی در وضع آنها به وجود نیامده و همچنان فلان منسوب نسبی یا سببی، بی‌کار است و این جمله معترضه تقریبا در تمامی موارد با تاکید بیان می‌شود که «پس اینها چه کسانی را استخدام کرده‌اند!؟».

شاید همین بحث باشد که موضوع «عدالت در اشتغال» را به عنوان یک معضل در ذهن مردم کاشته است و حتی اگر آمارهای اشتغال بی‌هیچ ردی از ایراد منتشر شده باشد باز هم با تردید مواجه است. هر چند این تردید نه دفعه اول است که در زمینه اشتغال مطرح می‌شود و نه فقط در این موضوع طرح شده است که وضع به گونه‌ای شده که هر جا گزاره‌ای خبری همراه با بعد آن هم از منابع رسمی نقل شود، با اما و اگرهای شهروندان مواجه می‌شود. این اما و اگر آنجا جدی‌تر می‌شود که مثلا یکی از نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری نیز در مناظرات بارها بر عدالت در اشتغال و استخدام تاکید داشته و به همان میزان که درباره چگونگی استخدام اطرفایش حرف زده، این را هم گفته که اگر بی‌کاری است باید برای همه باشد و اگر قرار به استخدام باشد فرزندان من یا نزدیکان من نیز باید از همان مسیری استخدام شوند که دیگران استخدام شده‌اند.

این موارد البته در گفتار دیگر مسئولان هم بوده است. شاید شما هم کلیپ معروف سخنان استاندار کرمانشاه را در فضای مجازی دیده باشید. جلسه‌ای در استان کرمانشاه در بهمن‌ماه سال گذشته برگزار شده بود و اعضای شورای شهر مرکز استان، میهمان آقای استاندار بودند و با سخنان تلخ محمدطیب صحرایی روبرو شدند. آن روز آقای استاندار تاکید کرد: «به تمام اعضای شورا می‌گویم بعد از این مهلت در صورت عدم اصلاح روند فعلی، پرونده مفصل شورا را تحویل افکار عمومی می‌دهم».

استاندار کرمانشاه در آن دیدار در سخنانی بر این موضوع تاکید کرد که «تمام‌قد معتقد به حکومت مردم‌سالار هستم و رأی مردم را رکن بی‌بدیل نظام می‌دانم و در این جلسه نه درخصوص ماهیت شورای شهر به صورت کلی، بلکه فقط درخصوص شورای شهر کرمانشاه صحبت می‌کنم».

صحرایی در آن جلسه به استخدام اقوام و بستگان اعضای شورای شهر در شهرداری اشاره کرد و با لحن تند در انتقاد به این وضعیت گفت: «ما در کرمانشاه با معضل بی‌کاری مواجهیم و در این شرایط چرا باید ده‌ها نفر از بستگان و اقوام شما در شهرداری مشغول به کار باشند و از این طرف مردم در اتاق من برای مشغول زار بزنند. اگر بی‌کاری هست باید برای همه باشد نه اینکه مردم عادی بی‌کار باشند و بستگان شما سر کار. اگر قرار است جریانم ماده ۱۰۰ بد باشد باید برای همه بد باشد. از قدیم گفته‌اند «کسی که مشک آب دارد باید آخر همه آب بخورد نه اول همه». صحرایی گفت: «پرونده مستند همه اینها در اختیار ماست و من به شما می‌گویم دستگاه‌های نظارتی از رگ کردن به شما نزدیک‌تر هستند و همه این صحبت‌ها مستند است. با توجه به این شرایط، سه ماه به شما فرصت می‌دهم این وضعیت را درست کنید، وگرنه مجموعه مفصل پرونده شما را تحویل افکار عمومی می‌دهم».

اینها همه جای خود! چون سه ماه بیشتر از آن روز گذشته و هنوز به افکار عمومی گزارش داده نشده است آیا روند استخدام‌های غیرعادلانه در شهرداری کرمانشاه (به عنوان نمونه) که به طور قطع هم در دیگر شهرها و هم در سایر سازمان‌ها موارد دیگر هم وجود داشته، رفع شده یا خیر؟ ما این موضوع قابل رصد است که هیچ گزارشی به افکار عمومی، ارائه نشده است.

شاید همین فضای غیرشفاف بوده است که وزارت کار را مجبور کرده سامانه‌ای برای جست‌وجوی شغل ایجاد کند که معاون آقای وزیر هم گزارشی از آن ارائه داده و یحتمل این نظر را همراه با خبر به مخاطب انتقال داده که این سامانه کامی به سوی عدالت در اشتغال است. بر همین اساس معاون اشتغال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی دیروز از ثبت ۱۷۷ هزار فرصت شغلی توسط کارفرمایان و کارایی‌ها در سامانه جست‌وجوی شغل خبر داد و گفت: تاکنون ۴۱ هزار نفر از طریق این سامانه به‌کارگیری شده‌اند.

محمود کریمی‌پیراوند بر نظارت سخت‌گیرانه دولت سیزدهم بر موضوع اشتغال تاکید کرد و گفت: در دولت سیزدهم توجه به مقوله اشتغال با دقت تمام و به طور سخت‌گیرانه انجام شد و آمارهایی که مطابق با وضعیت بنگاه‌ها نبود به ثبت نرسید.

او با اشاره به راه‌اندازی سامانه جست‌وجوی شغل تاکید کرد: این سامانه با هدف نظارت بر عملکرد کارایی‌ها، ایجاد شفافیت در بازار کار، عدم مراجعه حضوری، کم‌کردن هزینه جست‌وجوی شغل و تسریع در نقل و انتقال نیروی کار ایجاد شده و بستری برای ارتباط بین کارفرما و کارجو به شمار می‌رود.

معاون اشتغال وزارت کار درباره آخرین جزئیات ثبت درخواست شغلی و به‌کارگیری در سامانه جست‌وجوی شغل به ایسا گفت: تاکنون بیش از ۱۸۱ هزار نیروی کار به این سامانه مراجعه کرده و ۳۵ هزار کارفرما درخواست تأمین نیروی کار خود را در سامانه به ثبت رساندند. ۱۷۷ هزار فرصت شغلی نیز توسط کارفرمایان و کارایی‌ها در سامانه ثبت شده و ۱۵۰ هزار نفر به کار معرفی شدند که در مرحله چانه‌زنی و مذاکره برای شغل هستند.

کریمی‌پیراوند از به‌کارگیری بیش از ۴۱ هزار نفر از طریق سامانه جست‌وجوی شغل خبر داد: در حال حاضر هزار کارایی در سراسر کشور به این سامانه متصل هستند و همه کارایی‌های مجازی و فیزیکی و برخط می‌توانند از سامانه استفاده کنند. با توجه به آنکه کمبود نیروی کار در بسیاری از نقاط ازجمله شهرک‌های صنعتی دیده می‌شود، راه‌اندازی سامانه جست‌وجوی شغل کمک بزرگی به تأمین نیروی کار مورد نیاز کارفرمایان بنگاه‌ها و واحدهای تولیدی می‌کند.

شغل در کشور را بین ۲۵۰ میلیون تا ۳۵۰ میلیون تومان ذکر کرد و گفت: تا پایان سال ۱۴۰۲ سهم بخش‌های عمده اقتصادی از اشتغال ایجادی در حوزه خدمات ۵۴.۹ درصد، صنعت ۳۴.۹ درصد و کشاورزی ۵.۶ درصد است.

هوا گرم است، خورشید تمام توانش را جمع کرده و انگار به عمد قصد آزار آدم‌هایی را دارد که آن پایین هرکدام سی خودشان هستند. یکی سرد در جیب مراقبت دارد و گوشه خیابان دارد از فرط خوشی، به سجود میل می‌کند و دیگر دارد به مدد مه و خورشید و فلک، از این سو به آن سو می‌رود تا نانی به کف آرد و به غفلت نخورد.
در مترو یکی با دستاتی که سوختگی اش از زیر دستکش‌های انگشت‌بریده توی چشم می‌زند، روی کلیدهای آکاردئون فشار می‌دهد و انگار که بازی‌اش گرفته باشد از این سو به آن سوی ساز را درمی‌نوردد و صوتی حزین و جادویی، از مختصات نامعلوم ساز به گوش می‌رسد. مسافران اما هیچ، همه سی خود هستند! یکی گوشی به دست دارد و پشت تلفن ماجرابی را وامی‌کاود، دیگری پشت تلفن دعویایی دارد که صدایش تا چند متر آن‌طرف‌تر همه را متوجه می‌کند. مسافران هرکدام در سویی، هرکدام به سی‌ای! مترو همیشه این‌طور است؛ حجم زیادی از مسافران را می‌بلعد با خود زیر زمین می‌برد و هنوز در روده‌های شهر کامل نگردانده، آنها را برون می‌دهد. مترو هیچ وقت خالی نیست، دائم از مردمان پر می‌شود و خالی! و این روند دائم ادامه دارد.

ایستگاه میدان امام خمینی رسیده‌ام. از لابه‌لای دالان‌های تاریک شهر بالاورده می‌شوم؛ مثل تهوع! یک سوی میدان، خیابان ناصرخسرو است. خیاباتی که در آن از شیر مرغ تا جان آدمیزاد خرید و فروش و به عبارن عرضه می‌شود. اساسا آنهایی که در کار شیر مرغ یا جان آدمیزادند، خیلی بند قیافه عابران نیستند؛ با هر هیتی که از کنارشان رد شوی، چیزی را برای فروش عرضه می‌کنند. موتورسوارانی با لباس سیاه که جزئی از «کنتراست» میدان تویخانه‌اند! ظاهرا طالب آنچه آنها می‌فروشند، قیافه و تیپ خاصی ندارند. با هر هیتی که باشی، آید مثل مثل بازاربایان قدر، محصولی درخور به شما عرضه می‌کنند.

آن‌سوتر، آن طرف میدان، بین خیابان لاله‌زار و فردوسی، تراکم عابران بیشتر است. عابرائی که برخی از آنها با سرعتی سرسام‌آور فقط می‌خواهند خود را به ایستگاه مترو برسانند؛ شاید از شرق، شاید از غرب شهر شلوغ سردرآورند. نگاهم، انگار دنبال گمشده‌ای است. همیشه این‌طور است. این شغل باعث شده جاهای شلوغ، دائم دنبال چیزی باشم. همیشه هستم. نگاه که به این سو و آن سو می‌چرخد، نگاهان بی‌زن «لیف‌فروش» را می‌یابد. برق‌گرفته‌ام انگار! بی‌زنی با چادر سیاه که از دار دنیا چند لیف در بساط دارد (و شاید همین که چادر مشکی رنگ‌ورفته‌تر را)، آنها را در مدیانی که از شیر مرغ تا جان آدمیزاد در گرداگردش یافت می‌شود، به رهگذران و عابران عجول عرضه می‌کند. چه همانگی‌ای داشت این چادر سیاه با آن کاپشن‌های سیاه! یکی دارد معامله جان می‌کند و دیگری برای اینکه از لای چرخ‌های زندگی، جان به در برد، می‌خواهد معامله کند؛ لیف! معامله‌ای خوب است. کاملا پایاپای! معامله‌ای بی‌فرجام در عهد بدون برجام.

گرما، بی‌زن را در هم فشرده است. جسم بی‌زن که زیر چرخ‌های بی‌رحم زندگی مجاله شده، از فرط خستگی به نظر مجالته‌تر می‌رسد. شبیه گل‌وله‌ای بزرگ، کناره‌ای از میدان را گرفته و استخوان‌هایش نه از سرما که از گرمی می‌سوزد! او هم مثل همان که بر کلیدهای آکاردئون می‌فشارد، تمام امیدش این بود که رهگذری، دست در جیب برد و از دلش برآید تا «تومانی» از تومان‌های جیبش را خرج لیفی کند که او شب‌ها با آن چشم‌های نیمه‌پینا و آب‌مروارید گرفته، بافته است. امیدش اما… رهگذران هرکدام سی خوندند! یکی حرف می‌زند، یکی دست در دست دیگری دارد، یکی هم تمام حواسش این است که به ایستگاه آن طرف میدان همان‌جا که باب‌هایمون نام دارد، برسد تا مبدا قطار مترو از دستش برود! می‌گویند: وقت نداریم اما چیزی که زیاد است، وقت! ساعت‌ها در خیابان‌ها به بطالت می‌گذرانند. اما دمی از باب دلخوشی، بساط بی‌زن را به نظاره نمی‌نشینند!

**زنان، شغل و…**

در جامعه ایرانی آن‌طور که آمارها می‌گوید جمعیت



عکس مصورمه‌چهره‌نیلوفر

**گزارش توصیفی از وضعیت اشتغال زنان در معبرهای شهری و آفت‌هایی که درآمذزایی آنان را تهدید می‌کند**

# روایتی زنانه از زیر پوست شهر



حمیدرضاعظمی

زنان تنه بر تنه مردان می‌زند. مطابق آمارهای مرکز آمار از سرشماری سال ۱۳۹۵، از کل جمعیت مردمان این سرزمین، ۵۱ درصد را مردان تشکیل می‌دهند و ۴۹ درصد را زنان؛ اما معلوم نیست محاسبه دبداری چگونه است که کف جامعه وقتی صبح با مترو به ننگه پایتخت می‌روی گویی جمعیت شاغلان زن بیشتر از مردان است. دست‌کم از روی ترددهای صبح و عصر چنین برمی‌آید. هرچه که هست اگر زمانی جمعیت دختران جوان، دختران جوان جوانی شغل بودند و کار، حالا زنان میانسال و گاهی بالاتر، پسی کار می‌گردند تا به مدد آن، از عهده معیشت برآیند. شاید بر همین اساس باشد که در رسانه‌ها هم موضوعات مرتبط با این حوزه از اهمیت برخوردار است.

حالا اما گویی که وضعیت اشتغال زنان به نقطه نامناسبی رسیده است و به قول یکی از فعالان کارگری حوزه زنان، «بسیاری از زنان دست‌فروش شده‌اند و این دست‌فروشان نه آینده دارند و نه بیمه». این فعال کارگری معتقد است: مشکل ما بسیار بیش از این موارد است. زنان کارگر ایران در دهه‌های اخیر مشکلات قابل‌ملاحظه‌ای در حوزه‌های مختلف معیشتی، اشتغال و دار داشته‌اند و این موضوع در کنار بی‌توجهی‌ها و تبعیض‌های مختلف، بخش مهم جامعه را دچار مشکلات متعددی بیش از مردان کارگر کرده است.

فاطمه وحدت که رئیس اتحادیه زنان کارگر از اتباع خانه کارگر است، درباره این موضوع گفته است: مشکلاتی که زنان ایران و زنان کارگر ما دارند، مربوط به سه سال اخیر نیست بلکه مشکلات از سه دهه گذشته تشدید شده است. بنده به عنوان زنی که ۲۰ سال در محیط کارخانه کار کردم، ادعای می‌کنم که متأسفانه به نیروی زن در محیط کار و در فضاهای صنفی اهمیتی داده نمی‌شود. همواره نیروی کارگر زن را به‌عنوان یک ابزار دیده و گفته‌اند که نیروی زن کارایی بالایی دارد؛ ولی وقتی زنی می‌خواست در یک شورا حضور یابد، به او می‌گفتند که مگر شما می‌توانید پس از ساعت کاری برای کارهای صنفی مربوط به شوراها همانید؟ ما همین نگاه ورود زنان به مجامع این‌چنینی محدود می‌شد.

او تاکید دارد: ما انقلاب نکردیم تا به شرایط کنونی برسیم. ما انقلاب کردیم که آزادی و آبادی و سرنوشت خود را در دست بگیریم، اما به بخش زیادی از این اهداف هنوز نائل نشده‌ایم. در این سه سال زنان کارگر کاملا مغفول واقع شده‌اند. در زمان یکی از رؤسای جمهور، محدودیت‌های قابل توجهی وجود داشت. در زمان دولت اصلاحات اما اوضاع برای ما بهتر بود. ما چندین المپیاد ورزشی برای زنان کارگر داشتیم که حضور زنان در آنها در این دوره محدود شده و اجازه ورود به ما ندادند. رئیس اتحادیه زنان کارگر خانه کارگر تاکید دارد: ارتشیان و نظامیان و کارمندان در جای خودشان هستند، اما کارگران هم جایگاه خود را دارند. نبض هر جامعه‌ای با حرکت کارگران و کارفرمای آن می‌تپد اما به این موضوع تاکنون اهمیت لازم داده نشده است. بحث ما این است که ما اکنون شرایط خوبی نداریم.

وحدت به ابینا گفت: این روزها حداقل حقوق برخی زنان کارگر به چهار میلیون تومان نیز می‌رسد و قانون کار درباره آنان اجران نمی‌شود. زنی که با دو فرزند زندگی می‌کند و این حقوق‌های اندک را با مالیات دریافت می‌کند، چطور می‌تواند صورت خود را حتی با سیلی سرخ نگه دارد؟ این در حالی است که کشور ما بسیار ثروتمند است و ما نباید به این نقطه می‌رسیدیم. آیا درست است که کسانی فساد کنند و ببرند و خون جوانان غواص ما را که با دست از پشت بسته دسته‌جمعی زنده‌به‌گور شدند، پایمال کنند؟ مگر می‌شود چنین کسانی داعیه حکومت‌کردن هم داشته باشند؟ ما معتقدیم چنین وضعی نباید وجود داشته باشد. ما باید بر مردم تکیه کنیم و استواری یک کشور بر مردم است.

او دربارۀ ادعای دولت در زمینه رسیدگی به وضعیت زنان سرپرست خانوار از طریق توسعه مشاغل خانگی اضافه کرد: چنین ادعاهایی صحت ندارد. این افراد کسانی بودند که صندوق فرصت‌های شغلی را تعطیل کردند. این مبالغی را که ادعا می‌شود، به چه کسانی دادند؟ ما در زمان آقای

دریچه

## سنوات کارگران عملا کاهش یافت

شرق: با اوج‌گیری سیاست‌های تعدیلی و انقباضی، محرومیت طبقه کارگر از حقوق قانونی سال به سال عمیق‌تر و بحرانی‌تر می‌شود. دست‌مزد یک‌سوم خط فقر است، امنیت شغلی نیست و ادامه کار کارگر فقط به تار مویی بند است، اضافه‌کاری و جمعه‌کاری و مزایای مزدی پرداخت نمی‌شود و حالا رای اخیر هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، رسماً و قانوناً «حق سنوات کارگران» را به نزدیک صفر کاهش داده است.

ایلنا در مطلبی نوشته است: «در دادنامه شماره ۳۳۲۸ – ۱۳۹۸/۱۱/۲۹ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، جمله «… که همه عناوین مقرر در مواد ۳۴ و ۳۵ قانون یادشده را در بر می‌گیرد»، مبتنی بر سهو قلم بوده و بر اساس این، مستند به حکم مقرر در تبصره ماده ۹۷ و ماده ۱۲۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ و ماده ۳۰۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب سال ۱۳۷۹، جمله مذکور از متن دادنامه شماره ۳۳۲۸ – ۱۳۹۸/۱۱/۲۹ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری حذف می‌شود». بحث بر سر همین چند جمله ساده است که «حق‌السعی» یعنی همه دریاقتی قانونی کارگران را از مبنای محاسبه سنوات پایان کار خط زده است.

همه عناوین مقرر در مواد ۳۴ قانون کار، شامل «همه دریافت‌های قانونی است که کارگر به اعتبار قرارداد کار اعم از مزد یا حقوق کمک عائله‌مندی، هزینه مسکن، خواربار، ایاب و ذهاب، مزایای غیرتقدی، پاداش افزایش تولید، سود سالانه و نظایر آنها دریافت می‌کند» و همچنین در ماده ۳۵ قانون کار آمده است «مزد عبارت است از وجوه نقدی یا غیرتقدی و با مجموع آنها که در مقابل انجام کار به کارگر پرداخت می‌شود».

در دادنامه ۳۳۲۸ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری که در سال ۱۳۹۸ صادر شد، همه این موارد مبنای محاسبه سنوات کارگران قرار گرفته بود اما در اصلاحیه سال گذشته به شکایت اتناق بازرگانی، اینها همه از سنوات حذف شدند و مبنای محاسبه سنوات پایان کار کارگران محدود شد به مزد مبنای همان حقوق پایه.

در ماده ۲۴ قانون کار تکلیف شده «در صورت خاتمه قرارداد کار، کار معین یا مدت موقت، کارفرما مکلف است به کارگری که مطابق قرارداد، یک سال یا بیشتر، به کار اشتغال داشته است، برای هر سال سابقه، اعم از متوالی یا متناوب بر اساس آخرین حقوق مبلغی معادل یک ماه حقوق به‌عنوان مزایای پایان کار پرداخت کند». ماجرا بر سر تعریف «حقوق» در این بند قانونی است که قضات هیئت عمومی دیوان عدالت، خلاف عرف و معنای جاافتاده آن را فقط دستمزد پایه کارگر منهای مزایای مزدی دانسته‌اند.

به‌این‌ترتیب سنوات پایان کار کارگران که در واقعیت بسیار ناچیز و در حد چندده میلیون تومان بود، باز کاهش یافته است. به عبارتی حتی اگر کارفرما به تکلیف عمل کند، مبلغی که پایان کار به کارگر می‌پردازد، بسیار کم و در حد هیچ است.

جالب اینجاست که در گیرودار اصلاحات مکرر دادنامه ۳۳۲۸ بر اساس خواسته‌ها و منویات اتناق بازرگانی، در اردیبهشت سال جاری، دیوان عدالت اداری یک رأی جدید برای مشمولان قانون مدیریت خدمات کشوری یا همان بیمه‌شدگان صندوق کشوری صادر می‌کند که بر اساس آن تمام مزایای رفاهی و انگیزشی در محاسبه پاداش پایان خدمت بازنشستگان این صندوق لحاظ می‌شود.



این فعال کارگری تصریح کرد: بسیاری از جاده‌ها باید صاف

شود تا بتوانیم کاری بکنیم. از دولت آینده نی می‌خواهیم که به